

دکتر غلام حسین صدیقی با رهبران استقلال هند



ردیف اول از راست: ابوالکلام آزاد - مهاتما گاندی - جواهر لعل نهرو - دکتر غلام حسین صدیقی، ۱۳۲۶

گاندی، نهرو، ابوالکلام آزاد

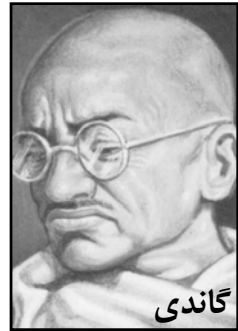
مسالمت‌آمیز در برابر قوانین ظالمانه و تبعیض‌آمیز مقاومت کرد و آن‌گاه با پشتوانه‌ای از تجارب سیاسی به هند برگشت و استقلال و آزادی هند را هدف نهایی خود قرار داد. مذاکرات گاندی با دولت انگلستان برای استقلال هند از ۱۹۳۰ شروع شد. او با روزه‌های سیاسی، تظاهرات مسالمت‌آمیز، مقاومت منفی و قبول زندان به نتیجه رسید.

تعلیمات سیاسی گاندی ارزش جهانی داشت و در دو کلمه‌ی صداقت و عدم خشونت تلخیص می‌شد. او برای رفع اختلاف میان پیروان ادیان مختلف بویژه هندو و مسلمان تلاش بسیار کرد. او مظهر اخلاق عالی و مخالف با هرگونه خشونت و شدت عمل بود.

□ عکسی که در این صفحه ملاحظه می‌فرمایید، عکس منحصر به فردی است که سه تن از رهبران استقلال هند (گاندی، نهرو، ابوالکلام آزاد) را با زنده‌یاد دکتر غلام حسین صدیقی نشان می‌دهد و چون این روزها مصادف با چهلمین سال درگذشت جواهر لعل نهرو است، نشر آن را بی‌مناسبت ندانستیم، بویژه که این عکس نشان می‌دهد که رهبران مختلف مبارزات سیاسی هند با همه‌ی اختلاف‌های عقیدتی و سلیقتی، هم‌گام و هم‌آوا با یک‌دیگر برای مبارزه با دشمن خارجی و استقرار دموکراسی در هند با هم مشارکت کرده‌اند. عکس حاضر، در سفر دکتر صدیقی در ۱۳۲۶ به هند گرفته شده است. اکنون شرح حال مختصری از گاندی، نهرو، ابوالکلام آزاد و دکتر غلام حسین صدیقی.

گاندی

مهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸) رهبر و پیشوای سیاسی و اخلاقی هند، پس از تحصیلات متوسطه برای تحصیل حقوق به انگلستان رفت و پس از بازگشت به هند، به وکالت دادگستری پرداخت، ولی چندان موفق نبود، تا آن‌که برای وکالت به آفریقای جنوبی رفت و در آن‌جا وارد مبارزه‌های سیاسی و اجتماعی شد و به مدت سه سال به‌سختی ولی



نهر

جواهر لعل نهرو (۱۸۹۹-۱۹۶۴) تنها پسر موتی لعل نهرو بود که در ۱۴ نوامبر ۱۸۸۹ متولد شد. سال‌های کودکی نهرو در شهر الله‌آباد و در خانه‌ی مرفه پدری گذشت. او نزد معلمان سرخانه درس خواند و سپس به انگلستان فرستاده شد و در دانشگاه کمبریج به تحصیل پرداخت. از سال ۱۹۲۰، نهرو جدا وارد امور سیاسی شد و در سال ۱۹۲۱ برای نخستین بار به زندان رفت. وی در این اوان با آزادی‌خواهان همکاری می‌کرد و به همراه او هزاران نفر دیگر من جمله پدرش هم رهسپار زندان شدند.

در سال ۱۹۲۳، نخستین دوران زندان‌های نهرو به پایان رسید و در سال ۱۹۲۵ به مقام شهرداری الله‌آباد، موطن اصلی‌اش، انتخاب شد. در دوران جنگ جهانی، حکومت انگلستان هند را برخلاف میل مردم آن به جنگ کشاند و رهبران آن کشور از جمله نهرو بازداشت شدند، ولی نهرو پیش از آن که دوران زندانش به‌پایان رسد، آزاد گردید.

در این موقع مبارزات ملی‌کنگره‌ی هند به مرحله‌ای رسیده بود که انگلستان دیگر نمی‌توانست تسلط خود را بر هند ادامه دهد و در نتیجه یک حکومت خودگرانی تشکیل داد که جواهر لعل نهرو مقام نخست‌وزیری و وزارت امور خارجه و امور مشترک‌المنافع / کامنولث را به‌عهده داشت و تا دم مرگ این پست را حفظ کرد. نهرو در سال ۱۹۱۶ با دختری به‌نام «کمالا» ازدواج کرد و از این ازدواج تنها یک دختر به‌نام ایندیرا به‌یادگار دارد.

ابوالکلام آزاد

ابوالکلام محیی‌الدین احمد آزاد (۱۳۰۵-۱۳۷۹ ق. / ۱۸۸۸-۱۹۵۹ م.) پس از تحصیل ادبیات فارسی، عربی و حساب و هندسه و فلسفه، به تحصیل علوم دینی روی آورد، اما با آن‌که عنوان «مولانا» یافت، به‌خلاف همتایان خود به امامت و خطابت در مساجد و محافل دینی جذب نشد، بلکه از طریق سید احمدخان (مؤسس دانشگاه علیگره) با فرهنگ نوین آشنا شد و معارف قدیم و جدید را به هم آمیخت و در حالی که به‌گفته‌ی نهرو، «آمیزه‌ای شگفت‌انگیز از محققان قرون وسطی با حکمای قرن هژدهم و نظریه‌های نوین» شده بود، به عراق و مصر و عثمانی رفت و در بازگشت با تأسیس هفته‌نامه‌ی **الهلال** به تبلیغ استقلال هند از انگلیس پرداخت. خدمات وی از چنان استقبالی برخوردار شد که در ۱۳۳۴ ق. / ۱۹۱۶ م، تیراژ مجله‌ی **الهلال** به ۲۶۰۰۰ رسید. لذا دولت انگلیس، مجله‌ی او را تعطیل و خود او را از کلکته (بنگال) تبعید کرد و چون آزاد به حمایت از خلافت اسلامی (عثمانی) به تبلیغات ضد استعماری خود ادامه داد، در ۱۳۴۰ ق. / ۱۹۲۲ م. بازداشت شد، ولی در طول جنگ آزاد شد و در ۱۹۴۵ گاندی را متقاعد کرد که حزب کنگره باید در انتخابات عمومی شرکت کند. او با تجزیه‌ی هندوستان مخالف بود و پس از استقلال هند، معاون پارلمانی حزب کنگره و مشاور نهرو (نخست‌وزیر) شد.

غلام‌حسین صدیقی

زنده‌یاد دکتر غلام‌حسین صدیقی (۱۲۸۴-۱۳۷۰) پسر میرزا حسین اعتضاد دفتر (برادر میرزا محمدباقر صدیق‌الدوله یاسلی نوری)، پدر جامعه‌شناسی ایران، یار صدیق دکتر محمد مصدق در جبهه‌ی ملی و وزیر کشور او در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود. از همکاران دکتر ناصر تکمیل‌همایون در همین شماره درباره‌ی دکتر صدیقی مقاله‌ای داریم که حق مطلب را ادا می‌کند. محمدرضاشاه پهلوی پس از رایزنی با دکتر علی امینی و عبدالله انتظام در آذر

۱۳۵۷، به دکتر صدیقی پیشنهاد نخست‌وزیری داد. اما ملیون در تب انقلاب به دکتر صدیقی هشدار می‌دادند که قبول این پیشنهاد، وجاهت ملی او را به کلی از بین خواهد برد. دکتر صدیقی در پاسخ می‌گفت: «مگر من وجاهت ملی را برای چه روزی می‌خواهم؟ اگر اعلی‌حضرت شروط مرا بپذیرند که باید برابر قانون اساسی، سلطنت کنند نه حکومت، چرا من برای نجات ایران قبول خدمت نکنم؟» اما جو ملت‌هپ سیاسی از یک‌سوی و مورد قبول قرارنگرفتن شرایط پیشنهادی دکتر صدیقی از طرف شاه از سوی دیگر، انقلابیون را بر اصلاح‌طلبان چیره کرد و حاصل آن تأسیس جمهوری اسلامی ایران شد. ح. ا. ■

حافظ ایران

احمد لطیفی



حافظ برای ملت ما ماندگار باد! این ماه‌نامه تا به ابد پایدار باد! این **حافظ** «امین» که چه خورشید جلوه کرد در سایه‌ی حمایت پروردگار باد! حق‌گو و حق‌نویس و خوش‌اندیش و خوش‌مرام پُرشور و پُرصلابت و پُرافتخار باد! دکتر امین و تیم شرفمند و هوشمند هر روزشان خجسته چو عید و بهار باد! میثاق‌شان به حضرت مولی‌الموحدین در پیشگاه حضرت حق استوار باد! پیوندشان به خلق، وفاق و یگانگی‌ست این فخر و افتخار، پر از اعتبار باد! ملت گل است و سبزه بود **حافظ** «امین» ما را همواره سبزه و گل یادگار باد! **حافظ** چو گنج‌بان و چو گنج‌اند خلق ما گنجور و گنج، دولت‌شان برقرار باد! گنج شرف که حاصل رنج «امین» بود بر رهروان راه شرف آشکار باد! بر این چراغ خلق که خوش جلوه کرده است گل‌واژه‌ی ستایش ما صد هزار باد!

تهران؛ شهرک مخابرات؛ خرداد ۱۳۸۳

